



Res. article

## Language Attrition among Kalhori Kurdish Speakers Living in Tehran

Shahla Farasati<sup>1</sup>, Kourosh Saberi<sup>2</sup>, Hiwa Weisi<sup>✉3</sup>

1- M.A. in Linguistics, Razi University. 2- Assistant Professor, Department of English Language and Literature, Razi University. 3- Assistant Professor, Department of English Language and Literature, Razi University.

Received: 2019/23/02

Accepted: 2019/25/05

### Abstract

Human migration is the most significant characteristic of today's world. This may lead to different results including linguistic contact which by itself may bring about subtractive bilingualism or may lead to the attrition and death of the mother tongue. This study investigates the attrition and changes of mother tongue among Kurds of Ilam living in Tehran. This study seeks answers for questions like in which age groups can we see the most attrition and language changes? And also in which level (vocabulary or syntax) can we see these attrition and changes. This study was done among two separate groups of 30 Kalhori Kurdish speakers living in Tehran and 30 Kalhori Kurdish speakers living Ilam. A designed and validated Questionnaire was administered among the participants of the study. The results showed that changes and attrition occurred more frequently among persons under 20 in Tehran, they were more among women than in men and the most attrition and change was in vocabulary level.

**Keywords:** Language Contact, Bilingualism, Language Attrition, Kalhori Kurdish, Tehran, Ilam.

**Citation:** Farasati, Sh., Saberi, K., Weisi, H. (2019). Language Attrition among Kalhori Kurdish Speakers Living in Tehran. *Journal of Western Iranian Languages and Dialects*, 7 (25), 95-110. (In Persian)



## ۱- مقدمه

از قرن نوزدهم به بعد، نگاه غالب زبان‌شناسان به مقوله زبان همانند نگاه به موجودی زنده است. بیشتر آن‌ها زبان را موجودی زنده در نظر می‌گیرند که پس از تولد و سپری شدن دوران کودکی، به بلوغ می‌رسد و ممکن است بنا به عواملی، روبه زوال تدریجی و مرگ بگذارد و حتی جانشین زبان دیگری شود (مدرسی، ۱۳۳۸). زبان‌شناسان، عوامل متعددی نظیر مهاجرت، شهرنشینی، صنعتی شدن، محدودیت‌های اعمال شده از سوی دولت‌ها، زبان آموزش و علم‌آموزی در نظام آموزشی کشورها، اعتبار اجتماعی زبان‌ها، جنگ، بلایای طبیعی، تعداد و نگرش سخنوران یک زبان را در بقا یا زوال آن مؤثر می‌دانند.

در محیط‌های چندزبانه هر اتفاقی که برای یک زبان بیافتد، به‌طور معمول بین دو نسل مختلف رخ می‌دهد، به این معنی که یک نسل دوزبانه، یکی از زبان‌ها را برحسب شرایط موجود انتخاب و به نسل بعد انتقال می‌دهد؛ از این رو می‌توان خانواده را نقطه آغاز فرایند تغییر زبان دانست، زیرا این والدین هستند که یکی از دو زبان را برای آموزش به فرزندان و انتقال به نسل بعد برمی‌گزینند. مجموعه‌ای از عوامل برون‌زبانی (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و...) نگرش<sup>۱</sup> افراد را نسبت به زبان شکل می‌دهند که این نگرش‌ها می‌توانند در انتخاب زبان و کاربرد آن از سوی گویشوران و آموزش آن به فرزندان در حوزه خانواده تعیین‌کننده باشند. چنانکه به نظر می‌رسد از میان دو زبان، زبانی در یک جامعه بخت بیشتری برای بقا دارد که از اعتبار و وجهه اجتماعی<sup>۲</sup> بالاتری برخوردار باشد و برخورداری از وجهه اجتماعی نیز مستلزم برخورداری از پشتوانه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، علمی، ادبی و... است. با این توضیحات، زبان‌های محلی که نظام نوشتاری و آثار ادبی و هنری قابل توجهی ندارند، در مقابل زبان اکثریت و رسمی که آثار ادبی و هنری فراوان دارد، بخت کمتری برای بقا دارند. نگرش منفی<sup>۳</sup> سخنوران یک زبان حتی می‌تواند مانع از اقبال آنان به گنجینه‌های ادبی آن زبان شود و این خود می‌تواند به زوال و نابودی آن زبان سرعت ببخشد.

## ۲- پیشینه پژوهش

فرسایش زبانی<sup>۴</sup> یکی از بحث‌های جذاب در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی است که در چند دهه اخیر

1. attitude
2. social prestige
3. negative attitude
4. language attrition

توجه زیادی را به خود جلب کرده است (کارایایلا و اشمیت<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹؛ دی‌لیوو<sup>۲</sup> و دیگران، ۲۰۱۸؛ اشمیت و یلماز<sup>۳</sup>، ۲۰۱۸؛ اشتین‌کراوس و اشمیت<sup>۴</sup>، ۲۰۱۶؛ بن رافائل<sup>۵</sup> و اشمیت، ۲۰۰۷). فرسایش زبان درجه‌ای ازدست‌رفتن زبان اول یا دوم یا قسمتی از زبانی است که در اثر برخورد و تماس زبانی<sup>۶</sup> که بیشتر در بافت‌های چندزبانه<sup>۷</sup> پیش می‌آید، به‌وجود می‌آید. مفهوم فرسایش به کاهش تدریجی مهارت‌های زبان مادری در بین گویندگان همان زبان برمی‌گردد. هنگامی‌که کسی بیشتر از زبان دوم نسبت به زبان مادری‌اش استفاده کند، کم‌کم جنبه‌ها و مهارت‌های زبان دوم در او تقویت می‌شود و زبان اول تحت تأثیر زبان دوم رو به زوال و نابودی می‌گذارد (ویسی، ۲۰۱۵). فرسایش زبانی در میان گویشورانی مصداق می‌یابد که به بیش از یک زبان تسلط دارند و از یکی از آن زبان‌ها که قلمرو گسترده‌تری نسبت به بقیه دارد، استفاده بیشتری می‌کنند. این روند ممکن است رفته‌رفته باعث استفاده کمتر از زبان و ازدست‌رفتن زبان دیگر و فرسایش آن شود. با توجه به آنچه گفته شد، فرسایش زبان به ازدست‌رفتن زبان<sup>۸</sup>، جایگزینی یا جانشینی زبان<sup>۹</sup>، تغییر زبان<sup>۱۰</sup> و در نهایت مرگ زبان<sup>۱۱</sup> منتهی می‌شود. تمامی این پدیده‌ها در جوامعی که دارای بافت چندزبانه هستند اتفاق می‌افتند (اشمیت و کوپکه<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۷). چه‌بسا در بافت‌های چندزبانه، یعنی جایی که تداخل زبان اول و دوم در آن رخ می‌دهد، تمام دوزبانه‌ها این نوع تداخل را تجربه کرده باشند.

اشمیت و کوپکه (۲۰۰۷) ادعا دارند که این پدیده‌ها بیشتر در میان گویشورانی اتفاق می‌افتد که زبان اول آن‌ها در زندگی روزمره‌شان نقش مهمی ندارد؛ بنابراین، زبان محیط جدید را بیشتر به‌کار می‌گیرند. این پدیده بیشتر در مورد مهاجرانی که از کشور خود مهاجرت کرده‌اند و در محیط جدید به زبان دوم یا بیگانه صحبت می‌کنند، اتفاق می‌افتد؛ بنابراین، زبان اول آن‌ها در تداخل با زبان دوم در معرض فرسایش و زوال قرار می‌گیرد (ویسی، ۲۰۱۵).

1. T. Karayayla, & M. S. Schmid
2. E. De Leeuw
3. G. Yilmaz
- 4 R. Steinkrauss
5. M. Ben-Rafael
6. linguistic contact
7. multilingual
8. language loss
9. language replacement
10. language shift
11. language death
12. B. Köpke

اشمیت و کوپکه (۲۰۰۷) دو عامل را در فرسایش زبان اول معرفی کرده‌اند: ۱- تکرار و پیشرفت زبان دوم؛ ۲- کم‌شدن استفاده از زبان اول. فرسایش زبان اول به‌طور معمول در میان افرادی دیده می‌شود که به بیشتر از یک زبان تسلط دارند و در زندگی روزمره یکی از آن زبان‌ها را در موقعیت‌های بیشتری به کار می‌گیرند.

با توجه به مطالب پیش‌گفته، مفهوم فرسایش زبان سروکار داشتن با چند زبان به‌ویژه در محیطی از بافت زبانی است که تأثیر یک زبان روی زبان دیگر به‌طور کامل مشهود است؛ البته برخی از پژوهش‌گران مانند کوک<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) در مورد تأثیر زبان دوم روی زبان اول گفته‌اند که همیشه زبان دوم باعث فرسایش زبان اول نمی‌شود. اشمیت و کوپکه (۲۰۰۷) در بحث از فرسایش زبان اول به این نتیجه رسیدند که بیشترین فرسایش در سطح واژگان رخ داده است.

درباره فرسایش زبان کردی پژوهش زیادی در ایران صورت نگرفته است. از پژوهش‌های جامع در زمینه فرسایش زبان کردی می‌توان به اثر ویسی (۲۰۱۳) در زمینه یادگیری زبان دوم و به‌مخاطره‌افتادن زبان اول در میان کردهای ساکن در غرب ایران اشاره کرد. نتایج این پژوهش نشان‌دهنده آن است که بیشترین فرسایش و تغییر متوجه گونه کلهری است. عوامل مؤثر در فرسایش زبانی کلهری که در این نوشتار به‌دست آمده‌اند عبارت‌اند از: اعتبار و وجهه اجتماعی زبان فارسی، کارایی زبان فارسی، داشتن نگرش منفی به زبان مادری، و نداشتن دلبستگی به فرهنگ و زبان خود است.

محمودی (۱۳۸۷) پژوهش دیگری که بیشتر درباره فرسایش زبانی در میان مهاجران است، انجام داده است. وی میزان زوال و فرسایش تدریجی زبان کردی سورانی اهالی سردشت مقیم تهران را در حوزه‌های واژگان، صرف، نحو و آوا بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که فرسایش زبان بین زنان کمتر از مردان صورت می‌گیرد و زنان بیشتر زبان مادری خود را حفظ می‌کنند. بیشترین فرسایش در گروه سنی ۱۱ تا ۲۵ سال و در میان مردان مشاهده شده است. از میان سطوح مختلف زبانی، واژگان زبان، چه در بخش گفتار و چه در بخش توانش بیشترین تغییر و فرسایش را داشته‌اند و نحو کمترین فرسایش را داشته است.

جمشیدی و معرفت (۲۰۰۶) پژوهشی در زمینه فرسایش و تغییرات زبانی انجام داده‌اند که به زبان انگلیسی منتشر شده است. ایشان فرسایش زبان افرادی را بررسی کرده‌اند که به علت مهاجرت به کشورهای غربی از محیط زبان مادری خود دور شده‌اند و بر اثر تماس زبانی با زبان‌های دیگر، به‌ویژه

زبان غالب انگلیسی، زبانشان دچار فرسایش شده است. آن‌ها سه گروه متفاوت را با استفاده از آزمون‌های زبانی، باهم مقایسه کرده‌اند: فارسی‌زبانان تک‌زبانه، دوزبانه‌های جدیدتر و دوزبانه‌های قدیمی‌تر. سطح زبانی مورد مطالعه ایشان، تفاوت‌های نحوی در زبان افراد است. آنان در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند که افراد دوزبانه‌ای که به‌تازگی دوزبانه شده‌اند، توانایی‌های زبانی خود را به‌میزان قابل توجهی حفظ کرده‌اند، درحالی‌که افراد دوزبانه قدیمی‌تر، زبان خود را باسرعت بیشتری از دست داده‌اند. درمقابل، فارسی‌زبانان تک‌زبانه، در زبان مادری خود از قابلیت‌های زبانی بسیار خوبی برخوردار بودند (جمشیدی و معرفت، ۲۰۰۶).

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی فرسایش و تغییرات زبانی در کردی کلهری ایلامی‌های مقیم تهران است؛ اما در کنار آن، مقایسه‌ای نیز بین ایلامی‌های مقیم تهران و ایلامی‌های مقیم ایلام از لحاظ فرسایش زبانی صورت می‌گیرد؛ به‌عبارت دیگر، هدف از این نوشتار یافتن پاسخ برای پرسش‌های زیر است:

- ۱- فرسایش و تغییرات زبانی بین کدام جنسیت بیشتر دیده می‌شود؟
- ۲- فرسایش و تغییرات زبانی بین کدام گروه سنی بیشتر دیده می‌شود؟
- ۳- فرسایش و تغییرات زبانی در کدام سطح زبانی (واژگانی و نحوی) بیشتر دیده می‌شود؟
- ۴- فرسایش و تغییرات زبانی بین کدام گروه (ایلامی‌های مقیم تهران و ایلامی‌های مقیم ایلام) بیشتر دیده می‌شود؟

### ۳- روش پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل افرادی است که یا خود به شاخه کردی کلهری تکلم می‌کردند یا از والدینی که زبان مادری هردوی آن‌ها کردی کلهری بود، متولد شده بودند. این پژوهش در میان دو گروه زن و مرد و گروه‌های سنی متفاوت به‌انجام رسید. سن تقویمی جامعه آماری عبارت بود از سه گروه کمتر از بیست سال، بین بیست تا پنجاه سال و بالای پنجاه سال و محل زندگی این افراد یکی از شهرهای تهران و ایلام بود. از آنجا که جامعه آماری را دو گروه در دو محیط متفاوت جغرافیایی تشکیل می‌دهند؛ از این پس، منظور از گروه (الف) کردهای ایلامی ساکن تهران و گروه (ب) کردهای ایلامی ساکن ایلام است.

### ۳-۱- نمونه آماری

نمونه‌برداری به روش تصادفی ساده انجام شد یعنی از هر گروه سنی ده نفر شرکت‌کننده به‌طور تصادفی

انتخاب شدند که در مجموع در هردو شهر تهران و ایلام شصت نفر در این پژوهش شرکت داشتند.

### ۲-۳- ابزار اندازه‌گیری

همان‌طور که گفته شد، ابزاری که برای گردآوری داده‌ها در این پژوهش در نظر گرفته شد، پرسش‌نامه در زمینه واژگان و مصاحبه شفاهی (منظور خواندن پرسش‌نامه برای هریک از شرکت‌کنندگان) بود؛ بنابراین، ضمن مطالعه و بررسی کتاب‌هایی در زمینه آزمون‌سازی، آموزش زبان، دستور زبان و... همچنین مشورت با مدرّسان و صاحب‌نظران دانشگاهی، مقدمات آماده‌سازی آزمون ویژه بررسی تغییر و فرسایش زبان مادری، فراهم شد؛ همچنین، با بهره‌گیری از پرسش‌نامه‌های طراحی شده در پایان‌نامه‌های مشابه (محمودی، ۱۳۸۷)، پرسش‌نامه‌ای در این زمینه طراحی شد. با توجه به اینکه پژوهش حاضر درصدد است که میزان تغییر و فرسایش زبانی گروه‌های مختلف سنی و جنسیتی را در سطوح مختلف زبانی بررسی کند؛ لذا ضروری می‌نمود که از انواع شیوه‌های متداول آزمون زبانی استفاده شود که از پایایی<sup>۱</sup> و روایی<sup>۲</sup> لازم برخوردار باشند.

### ۳-۳- اندازه‌گیری آگاهی از واژگان

هدف از آزمون‌های واژگان، اندازه‌گیری آگاهی شرکت‌کنندگان از واژگان زبان است. در این نوع آزمون‌ها، به‌طور معمول از واژگان پرسامد زبان استفاده می‌شود. در این مورد و در سطحی عمومی، بیشتر از واژگان پویا که اهل زبان به‌طور پیاپی در گفتار خود از آن‌ها بهره می‌برند، استفاده می‌شود. به‌طور کلی، در گفتگوهای روزمره از واژه‌های قاموسی مانند اسم، صفت، قید و... بیشتر استفاده می‌شود (جعفرپور، ۱۳۷۵: ۱۱۱). در ادامه مطالب، مواردی که در پژوهش حاضر برای تهیه پرسش‌های واژگانی استفاده شده است، به‌اختصار معرفی می‌شود:

### ۳-۳-۱- پرسش‌های درست - نادرست

این نوع پرسش‌ها، یک جمله را دربر می‌گیرند و آزمودنی باید تعیین کند که جمله ارائه‌شده، درست است یا نادرست. در این نوع آزمون‌ها، لازم است در هر پرسش تنها یک نکته گنجانده شود و هر پرسش با کمترین واژه‌ها و به‌روشنی بیان شود (جعفرپور، ۱۳۷۵: ۲۶). پرسش‌های (۱) تا (۲۵) پرسش‌نامه به‌همین شیوه تهیه شده و دربردارنده یک نکته هستند و آزمودنی‌ها نیز، با علامت صحیح یا غلط به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهند.

### ۳-۲-۲- پرسش‌های سنی

واژه مورد سنجش در این پرسش‌ها، حاوی یک کلمه مشخص شده است و از آزمودنی‌ها خواسته می‌شود که یکی از چند گزینه پیشنهادی را برگزینند که با واژه مورد نظر یکی از رابطه‌های مترادف یا تضاد و... را دارد. پرسش‌های (۲۶) تا (۴۰) پرسش‌نامه، با همین شیوه آماده شده‌اند. در این قسمت واژه‌هایی به زبان کردی یا فارسی ذکر شده و از شرکت‌کنندگان خواسته شده است که با توجه به اطلاعات زبانی خود، گزینه هم‌معنی و مناسب با آن را انتخاب کنند.

### ۳-۳-۳- پرسش‌های تعبیری

الگوی متداول این پرسش‌ها عبارت است از جمله‌ای به‌مثابه تنه که زیر یک واژه یا عبارت خط کشیده شده است و آزمودنی‌ها باید از میان چهار گزینه داده‌شده، معادل آن واژه یا عبارت را برگزینند (جعفرپور، ۱۳۷۵: ۱۲). ساختار پرسش‌های (۴۱) تا (۵۰) پرسش‌نامه، از این الگو پیروی می‌کند. شایان ذکر است که پرسش‌های (۵۱) تا (۶۵) پرسش‌نامه نیز در ادامه پرسش‌های واژگانی، با استفاده از ترکیب دو روش سنی و تعبیری آماده شده است و کاربرد واژگان کردی را در آزمودنی‌ها می‌سنجند.

### ۳-۴- اندازه‌گیری آگاهی از قواعد ساختاری

آزمون‌های قواعد ساختاری متداول‌ترین نوع آزمون‌های زبان هستند. هدف از این آزمون، اندازه‌گیری دانسته‌های شرکت‌کنندگان از ساختارهای پذیرفتنی و ترتیب واژه‌ها، عبارت‌ها و جمله‌ها است. یکی از روش‌های متداول اندازه‌گیری، آگاهی آزمودنی‌ها از ساختار زبان گفتاری است که در پژوهش پیش رو از آن استفاده شده است. این پرسش‌ها دو نوع متداول دارند که عبارت‌اند از: پرسش‌های تکمیل‌کردنی (پرسش ۷۰-۹۷ پرسش‌نامه) و پرسش‌هایی که حاوی نادرستی‌های ساختاری (پرسش ۹۷ به بعد) هستند.

### ۳-۴-۱- پرسش‌های تکمیل‌کردنی

این پرسش‌ها دربرگیرنده یک جمله یا تعبیر، با یک جای خالی هستند. این جای خالی با یکی از چند گزینه پیشنهادشده، کامل می‌شود. به‌طور معمول واژه‌های حذف‌شده از جنس واژه‌های دستوری و مقوله‌های خاص دستوری و ساختاری هستند. پاسخ درست، در یکی از گزینه‌ها ارائه می‌شود و سایر گزینه‌ها به‌صورت انحرافی خواهند آمد (جعفرپور، ۱۳۷۵: ۱۰۶). پرسش‌های (۷۰) تا (۹۵) پرسش‌نامه از این دسته‌اند.

### ۳-۴-۲- پرسش‌های آلوده به نادرستی‌های ساختاری

در این نوع پرسش‌ها، یکی از چند گزینه ارائه‌شده، از نظر ساختاری، نادرست است و آزمودنی‌ها باید آن



را بیابند. در تهیه این نوع پرسش‌ها، لازم است که در هر ماده تنها یک نکته ساختاری گنجانیده شود. زمینه پرسش باید طبیعی و معنی‌دار باشد و در قالب گفتگوهای روزمره بیان شود، نه زبان نوشتاری و ادبی (جعفرپور، ۱۳۷۵: ۱۰۷). پرسش‌های (۹۷) به بعد، به همین شیوه ساخته شده‌اند؛ همچنین، در تکمیل قواعد ساختاری تعدادی پرسش چهار گزینه‌ای در مورد انتخاب ترکیب‌های صحیح دستوری و ترجمه جملات، آماده شده است.

### ۳-۵- روش نمره‌گذاری آزمون توانش زبانی

مواد این آزمون از نوع ماده‌های عینی است و مصحح در تصحیح آن‌ها هیچ نقشی ندارد؛ بنابراین، نمره‌گذاری آن‌ها به آسانی انجام می‌شود و برای هر جواب درست نمره‌ای در نظر گرفته می‌شود. به پاسخ‌های نادرست و پرسش‌های بدون جواب نمره‌ای تعلق نمی‌گیرد، اما چون این آزمون از دو قسمت (واژگان و نحو) تشکیل شده است، برای هر شرکت‌کننده، دو نوع نمره منظور شده است. برای پرسش‌های (۱) تا (۶۵)، یک نمره واژگانی ۶۵ امتیازی و برای پرسش‌های (۶۶) تا (۱۱۰)، یک نمره نحوی ۴۵ امتیازی محاسبه شده است؛ سپس نمره کل هر یک از آنان در دو آزمون منظور شده است. به‌طور کلی در تهیه و ساخت پرسش‌نامه توانش زبانی سعی شده است به نکته‌های زیر توجه شود:

(الف) پرسش‌ها در راستای پرسش‌های پژوهش تهیه و تنظیم شود.

(ب) متن پرسش‌ها و دستورالعمل مربوط به چگونگی پاسخگویی به آن‌ها، کوتاه و واضح باشد.

(پ) تا حد امکان از طرح پرسش‌های خصوصی، نامفهوم و مبهم پرهیز شود.

در تعدادی از گزینه‌های پیشنهادی برای عبارت‌های کردی، از واژه‌های فارسی استفاده شده است که در ظاهر به نظر می‌رسد از دیدگاه آزمون‌سازی زبانی، مناسب نیستند. دلیل انتخاب این نوع گزینه‌ها این است که در مطالعات مقدماتی در مورد فرسایش زبان، مشاهده شد که تعداد زیادی از افراد ساکن در تهران، هنگام صحبت کردن به زبان کردی، از واژه‌ها و اصطلاحات زبان فارسی استفاده می‌کنند؛ بنابراین، گزینه‌هایی از این نوع، در واقع میزان احتمالی کاربردهای زبانی این افراد را در این زمینه اندازه‌گیری می‌کنند.

### ۴- یافته‌ها

به دلیل آنکه تعداد متغیرهای پژوهش فراوان است، ابتدا هر یک از گروه‌های مستقل (ایلام و تهران) به‌طور جداگانه بررسی می‌شوند، سپس گروه‌های سنی و جنسیتی آن‌ها با هم مقایسه می‌شوند. در پایان

نیز نتایج به‌دست‌آمده از دو گروه باهم مقایسه و تحلیل می‌شوند.

#### ۴-۱- گروه الف (تهران)

چنانچه پیش‌تر اشاره شد، در گروه الف سی نفر در پژوهش شرکت داشتند (پانزده آقا و پانزده خانم به‌عبارتی ۵۰٪ مرد و ۵۰٪ زن) و از میان این سی نفر، ۳۳/۳٪ (ده نفر) زیر بیست سال، ۴۰٪ (دوازده نفر) بین بیست تا چهل سال و ۲۶/۷٪ (هشت نفر) بالای چهل سال سن داشتند. میانگین کل نمرات آزمون توانش زبانی (واژگانی و نحوی) به‌تفکیک جنسیت و گروه سنی به‌ترتیب در جدول‌های (۱، ۲ و ۳) نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، از میان زنان و مردان، مردان در همه گروه‌های سنی، بین همگی آزمون‌ها، نسبت به زنان هم‌گروه خود، درصد بیشتری از امتیازات را کسب کرده‌اند.

جدول (۱). میانگین کل نمرات گروه سنی زیر بیست سال تهران

متغیر	میانگین مردان	میانگین زنان	میانگین کلی
سن	۱۶/۵	۱۷/۵	۱۷
توانش واژگانی	۴۳	۳۱/۷۵	۳۸/۵
توانش نحوی	۳۱/۱۷	۲۳	۲۷/۹
جمع توانش	۷۴/۱۷	۵۴/۷۵	۶۶/۴

جدول (۲). میانگین کل نمرات گروه سنی بیست تا چهل سال تهران

متغیر	میانگین مردان	میانگین زنان	میانگین کلی
سن	۲۶/۴	۳۱/۱۴	۲۹/۱۶
توانش واژگانی	۴۶/۶	۳۹/۲۸	۴۲/۳۳
توانش نحوی	۳۸	۳۱/۸۶	۳۴/۴۲
جمع توانش	۸۴/۶	۷۱/۱۷	۷۶/۷۵

جدول (۳). میانگین کل نمرات گروه سنی بالای چهل سال تهران

متغیر	میانگین مردان	میانگین زنان	میانگین کلی
سن	۴۶/۵	۴۹/۲۵	۴۷/۸۷
توانش واژگانی	۵۵	۴۶	۵۰/۵
توانش نحوی	۳۹/۷۵	۳۴/۵	۳۷/۱۲
جمع توانش	۹۴/۷۵	۸۰/۵	۸۷/۶۲

برای آنکه بدانیم آیا تفاوت‌های یادشده در جدول‌های بالا از لحاظ آماری معنادار هستند، از آزمون تحلیل واریانس استفاده شد که در جدول (۴) نتیجه این تحلیل آمده است:

جدول (۴). تحلیل واریانس نمره کلی در گروه‌های سنی (تهران)

متغیر	گروه‌های سنی	تعداد	میانگین	F	سطح معنی‌داری Sig.
توانش زبان	زیر بیست سال	۱۰	۶۶/۴	۸/۹۳۴	۰/۰۰۱
	بیست تا چهل سال	۱۲	۷۶/۷۵		
	بالای چهل سال	۸	۸۷/۶۲		

همان‌طور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، نمره توانش زبان در میان گروه‌های سنی مختلف از نظر آماری متفاوت است. از آنجاکه سطح معنی‌داری آزمون ( $p = ۰/۰۰۱$ ) کمتر از سطح خطا ( $۰/۰۱ >$ ) است؛ بنابراین، فرض صفر رد می‌شود و چنین نتیجه می‌گیریم که بین میانگین‌های مورد مقایسه تفاوت معنی‌داری وجود دارد و میزان فرسایش زبانی در گروه سنی زیر بیست سال بیشتر از گروه‌های سنی دیگر است.

#### ۴-۲- گروه ب (ایلام)

از میان سی نفر شرکت‌کننده گروه ب، ۴۳/۳٪ (سیزده نفر) را مردان و ۵۶/۷٪ (هفده نفر) را زنان تشکیل می‌دهد. از لحاظ سن پاسخگویان ایلامی، ۳۰٪ (نه نفر) زیر بیست سال، ۴۰٪ (دوازده نفر) بین بیست تا چهل سال و ۳۰٪ (نه نفر) بالای چهل سال سن دارند. میانگین کل نمرات آزمون توانش زبانی به تفکیک جنسیت و گروه سنی به ترتیب در جدول‌های (۵، ۶ و ۷) نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، از میان زنان و مردان، مردان در همه گروه‌های سنی و بین همگی آزمون‌ها، نسبت به زنان هم‌گروه خود، درصد بیشتری از امتیازات را کسب کرده‌اند.

جدول (۵). میانگین کل نمرات گروه سنی زیر بیست سال ایلام

متغیر	میانگین مردان	میانگین زنان	میانگین کلی
سن	۱۹	۱۹	۱۹
توانش واژگانی	۴۹	۴۷/۶	۴۸/۲
توانش نحوی	۳۵/۵	۳۳/۸۳	۳۴/۵
جمع توانش	۸۴/۵	۸۱/۵	۸۲/۷

جدول (۶). میانگین کل نمرات گروه سنی بیست تا چهل سال ایلام

متغیر	میانگین مردان	میانگین زنان	میانگین کلی
سن	۳۸	۲۷	۳۰/۱۶
توانش واژگانی	۵۵/۶۶	۵۳	۵۳/۸۳
توانش نحوی	۴۱	۳۵/۸۷	۳۷/۲۷
جمع توانش	۹۶/۶۶	۸۸/۸۷	۹۱

جدول (۷). میانگین کل نمرات گروه سنی بالای چهل سال ایلام

متغیر	میانگین مردان	میانگین زنان	میانگین کلی
سن	۴۷/۸۳	۴۶/۶۶	۴۷/۴۴
توانش واژگانی	۵۷/۳۳	۵۱	۵۵/۲۲
توانش نحوی	۳۹/۶۶	۳۷/۶۶	۳۹
جمع توانش	۹۷	۸۸/۶۶	۹۴/۲۲

برای آنکه بدانیم آیا تفاوت‌های یادشده در جدول‌های بالا از لحاظ آماری معنی‌دار هستند یا خیر، از آزمون تحلیل واریانس استفاده شد که در جدول (۸) نتیجه این تحلیل آمده است.

جدول (۸). آزمون تحلیل واریانس نمره کلی در گروه‌های سنی (ایلام)

متغیر	گروه‌های سنی	تعداد	میانگین	F	سطح معنی‌داری Sig.
توانش زبان	زیر بیست سال	۱۰	۸۲/۷	۶/۹۲۵	۰/۰۰۴
	بیست تا چهل سال	۱۱	۹۱		
	بالای چهل سال	۹	۹۴/۲۲		

همان‌طور که در جدول (۸) ملاحظه می‌شود، نمره توانش زبان در بین گروه‌های سنی مختلف از نظر آماری متفاوت است. چون سطح معنی‌داری آزمون ( $p = ۰/۰۰۴$ ) کمتر از سطح خطا ( $\alpha > ۰/۰۱$ ) است؛ بنابراین، فرض صفر رد می‌شود و نتیجه می‌گیریم که بین میانگین‌های مورد مقایسه تفاوت معنی‌داری وجود دارد و میزان فرسایش زبانی در گروه سنی زیر بیست سال بیشتر از گروه‌های سنی دیگر است.

#### ۴-۳- مقایسه کلی دو گروه تهران و ایلام

در این مرحله از بررسی‌ها، شصت شرکت‌کننده پژوهش در دو گروه مستقل تهران و ایلام باهم ارزیابی می‌شوند. برای این کار، نخست ۲۸ شرکت‌کننده مرد دو گروه باهم مقایسه می‌شوند، سپس ۳۲ زن دو گروه باهم مقایسه می‌شوند و در پایان، دو گروه متفاوت سی نفری باهم مقایسه می‌شوند.

#### ۴-۳-۱- مقایسه کلی مردان دو گروه تهران و ایلام

برای مقایسه توانش زبانی کل مردان دو گروه مستقل تهران و ایلام از آزمون t مستقل استفاده شده و نتایج در جدول (۹) ارائه شده است:

جدول (۹). آزمون T نمرات کل مردان دو گروه تهران و ایلام

گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	مقدار t	سطح معنی‌داری Sig.
ایلام	۱۳	۹۸/۶۱	۵/۷۶	۲۶	۲/۳۶۵	۰/۰۲۷
تهران	۱۵	۹۰/۸۷	۱۱/۰۷			

همان‌طور که نتیجه آزمون T نشان می‌دهد، مقدار t محاسبه‌شده بین میانگین‌ها ۲/۳۶۵ است که از مقدار t جدول توزیع (۱/۶) بیشتر است و از طرفی چون سطح معنی‌داری آزمون ( $p = ۰/۰۲۷$ ) کمتر از سطح خطا ( $\alpha > ۰/۰۵$ ) است، فرض صفر رد می‌شود و نتیجه می‌گیریم که بین میانگین‌های مورد مقایسه تفاوت معنی‌داری وجود دارد و میزان نمره توانش زبانی مردان تهران کمتر از نمرات مردان ایلام است.

#### ۴-۳-۲- مقایسه کل زنان دو گروه تهران و ایلام

برای مقایسه توانش زبانی کل زنان دو گروه مستقل تهران و ایلام از آزمون t مستقل استفاده شده و نتایج در جدول (۱۰) ارائه شده است:

جدول (۱۰). آزمون T نمرات کل زنان دو گروه تهران و ایلام

گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	مقدار t	سطح معنی‌داری Sig.
تهران	۱۵	۸۰/۸	۱۳/۶۳	۳۰	۲/۲۹۴	۰/۰۳۳
ایلام	۱۷	۸۹/۶۵	۶/۴۸			

همان‌طور که نتیجه آزمون T نشان می‌دهد، مقدار t محاسبه‌شده بین میانگین‌ها ۲/۲۹۴ است که از مقدار t جدول توزیع (۱/۶) بیشتر است و از طرفی چون سطح معنی‌داری آزمون ( $p = ۰/۰۳۳$ ) کمتر از سطح خطا ( $\alpha > ۰/۰۵$ ) است، فرض صفر رد می‌شود و نتیجه می‌گیریم که بین میانگین‌های مورد مقایسه تفاوت معنی‌داری وجود دارد و میزان نمره توانش زبانی زنان تهرانی کمتر از زنان ایلام است. به دیگر سخن، فرسایش زبان در زنان تهرانی بیشتر دیده می‌شود.

#### ۴-۴-۱- مقایسه کل افراد دو گروه تهران و ایلام

برای مقایسه توانش زبانی کل افراد دو گروه مستقل تهران و ایلام از آزمون t مستقل استفاده شده و نتایج در جدول (۱۱) ارائه شده است:

جدول (۱۱). آزمون T نمرات کل افراد دو گروه تهران و ایلام

گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	مقدار t	سطح معنی‌داری Sig.
ایلام	۳۰	۹۳/۵۳	۷/۵۸	۵۸	۲/۷۶۵	۰/۰۰۸
تهران	۳۰	۸۵/۸۳	۱۳/۲۸			

همان‌طور که نتیجه آزمون T نشان می‌دهد، مقدار t محاسبه‌شده بین میانگین‌ها ۲/۷۶۵ است که از مقدار t جدول توزیع (۱/۶) بیشتر است و از طرفی چون سطح معنی‌داری آزمون ( $p = ۰/۰۰۸$ ) کمتر از سطح خطا ( $\alpha > ۰/۰۵$ ) است، فرض صفر رد می‌شود و نتیجه می‌گیریم که بین میانگین‌های مورد مقایسه

تفاوت معنی داری وجود دارد و میزان نمره توانش زبانی شهروندان تهرانی کمتر از نمرات شهروندان ایلام است؛ یعنی فرسایش در شهروندان تهرانی بیشتر دیده می‌شود.

## ۵- بحث و نتیجه‌گیری

در این قسمت، فرضیات پژوهش بحث و واکاوی می‌شود و در انتها نتیجه‌گیری بیان می‌شود. همان‌طور که بیان شد پژوهش پیش رو بر سه فرض استوار بود. در وهله نخست، فرض بر این شد که تغییر و فرسایش زبانی در میان زنان بیشتر دیده می‌شود. با توجه به درصد کلی محاسبه‌شده نمرات زبانی گروه‌ها و زیرگروه‌های تهران و ایلام، در تمامی موارد، میانگین نمرات مردان از میانگین زنان بیشتر دیده شد؛ بنابراین، چنین نتیجه می‌گیریم که مردان توانسته‌اند بیش از زنان، توانایی‌های زبان مادری خود را حفظ کنند. به دیگر سخن، فرسایش زبانی در میان زنان به‌ویژه شهروندان تهرانی بیشتر دیده می‌شود و فرضیه اول تأیید می‌شود.

در وهله دوم فرض بر این شد که فرسایش و تغییرات زبانی در گروه‌های سنی پایین‌تر بیشتر مشهود است. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از بررسی میانگین‌ها و درصد نمرات، گروه سنی زیر بیست سال گروه تهران و ایلام، نسبت به سایر گروه‌ها نمرات پایین‌تری کسب کرده‌اند؛ بنابراین، نتیجه می‌گیریم که فرسایش زبانی در میان این گروه سنی از همه (به‌ویژه گروه تهران) بیشتر است و فرضیه دوم نیز تأیید می‌شود.

در وهله سوم فرض بر این شد که فرسایش و تغییرات زبانی در سطح واژگان زبان بیشتر دیده می‌شود. نتایج بررسی‌ها نشان داد که آزمون توانش واژگان، با کسب کمترین میانگین نسبت به نمره کلی در میان تمامی شرکت‌کنندگان، بیشترین فرسایش و تغییرات را داشته است؛ بنابراین، فرضیه سوم نیز تأیید می‌شود. نتایج کلی بررسی‌ها نشان داد که مهاجرت افراد به محیط‌هایی که زبان آنان برای مهاجران حکم زبان دوم را دارد، به ازدست‌رفتن مهارت‌های زبان اول (زبان مادری) می‌انجامد.

عوامل بسیاری از جمله اعتبار و وجهه اجتماعی بالای زبان فارسی، کارایی زبان فارسی، نگرش منفی نسبت به زبان‌های بومی، کاربرد زبان فارسی در آموزش رسمی و نیز رسانه‌های جمعی موجبات تغییر و فرسایش زبان را فراهم آورده‌اند (ویسی، ۲۰۱۵). برخی از کردهای ایلامی مقیم تهران به دلایل بالا و دلایلی دیگر، زبان مادریشان به‌روشنی دچار فرسایش شده است. همان‌طور که بررسی‌ها نشان داده است، بیشترین سهم فرسایش زبان مربوط به گروه سنی زیر بیست سال است؛ اگرچه شهر تهران سهم عمده‌ای را در این زمینه به خود اختصاص داده است، اما نباید از سهم فرسایش زبانی گروه ایلام نیز

غافل بود؛ چراکه آن‌ها هم در محیط زبان مادری خود، توانایی‌های زبانی خود را به‌عکس استفاده بسیار زیاد از زبان غالب فارسی، در اموری مانند آموزش، رسانه‌های جمعی، کاربردهای اداری و... از دست داده‌اند.

عامل دیگری که بررسی شد، جنسیت افراد گروه‌ها است. نتایج بررسی‌ها نشان داد که در بیشتر گروه‌ها و زیرگروه‌ها، میانگین نمرات زبانی مردان از زنان همتای خود بیشتر است. از این موضوع می‌توان نتیجه گرفت که مردان در حفظ و نگهداری زبان مادری از زنان موفق‌تر بوده‌اند (عکس نتیجه‌ای که محمودی (۱۳۸۷) در پژوهش خود مبنی بر فرسایش زبانی بیشتر در میان مردان نسبت به زنان هم‌گروه خود به‌دست آورده است). نتایج بررسی سطوح مختلف زبانی (واژگانی و نحوی) در زمینه فرسایش و تغییر، نشان داد که نحو زبانی افراد با کمترین تغییر و فرسایشی روبه‌رو بوده است؛ درحالی‌که، واژگان زبان بیشترین فرسایش را داشته است (مشابه نتیجه‌ای که محمودی (۱۳۸۷) در پژوهش‌های خود به آن دست یافته است).

بررسی دقیق‌تر نتایج نشان داد که فرسایش واژگانی در بین اسامی فامیل‌های سببی و نسبی (پرسش‌های ۲، ۱۱، ۲۸، ۵۸، ۶۰ و ۶۳ آزمون توانش زبانی) بیشتر است؛ اسامی حیوانات (پرسش‌های ۴، ۱۳، ۳۲، ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۵۲، ۵۶ و ۶۲ آزمون توانش زبانی) و همچنین، آن دسته از اسامی که مورد خطاب واقع می‌شوند (پرسش‌های ۲۵، ۵۱ و ۵۵ آزمون توانش زبانی) فرسایش بیشتری داشته‌اند. در مجموع، فرسایش و زوال زبان در بین گروه‌های سنی پایین‌تر بیشتر دیده می‌شود؛ زیرا تماس و برخورد زبانی آنان با زبان رسمی کشور، یعنی فارسی افزون‌تر است؛ بنابراین، به‌نظر می‌رسد که به‌مرور از تعداد حوزه‌هایی<sup>۱</sup> که در آن‌ها زبان مادری به‌کار می‌رود، کاسته می‌شود.

نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر در بسیاری از موارد با پژوهش‌های پیشین شباهت دارد. برای نمونه، محمودی (۱۳۸۷) در زمینه فرسایش بیشتر در حوزه واژگان نسبت به حوزه نحو در میان کردهای سردشتی مقیم تهران، به نتیجه مشابهی دست یافت؛ همچنین، نتایج این پژوهش در راستای نتایجی است که جمشیدی و معرفت (۲۰۰۶) درباره فرسایش زبانی در میان افراد مهاجر به کشورهای غربی به‌دست آورده‌اند. نتیجه پژوهش آنان که تنها به بررسی در حوزه نحو پرداخته‌اند، این است که دوزبان‌هایی که به‌تازگی دوزبان شده‌اند، توانایی‌های زبانی خود را نسبت به دوزبان‌های قدیمی بیشتر حفظ کرده‌اند؛ همچنین، نتایج پژوهش حاضر با نتایجی که اشمیت و کوپکه (۲۰۰۲) در زمینه فرسایش در سطوح

مختلف زبان به دست آورده‌اند، همخوانی دارد چراکه آن‌ها به این نتیجه رسیدند که فرسایش در سطح واژگان نسبت به سایر سطوح بیشتر رخ داده است. نتایج این نوشتار با نتایج ویسی (۲۰۱۳) نیز همخوانی دارد زیرا وی نشان داده که در میان گونه‌های اصلی زبان کردی، بیشترین فرسایش در گونه کلهری صورت گرفته است؛ بنابراین، با توجه با آنچه گفته شد می‌توان به‌طور خلاصه به نتایج زیر اشاره کرد:

۱- مردان در همه گروه‌ها، میانگین نمرات زبانی بهتری را نسبت به زنان به‌خود اختصاص داده‌اند، در نتیجه مردان بیشتر از زنان، زبان مادری خود را حفظ می‌کنند و زنان بیشتر باعث فرسایش زبان می‌شوند و از آنجاکه زبان بیشتر توسط این قشر به نسل آینده منتقل می‌شود، احتمال فرسایش و تغییرات زبانی در کودکان نیز بیشتر می‌شود؛ چنانکه در گروه سنی زیر بیست سال فرسایش بیشتر مشاهده شد.

۲- در میان سطوح زبانی، واژگان زبان بیشترین تغییر و فرسایش را داشته‌اند، این در حالی است که نحو زبان کم‌ترین فرسایش را به‌خود اختصاص داده است.

۴- در گروه سنی زیر بیست سال گروه ایلام نیز، اندکی فرسایش زبان در سطح واژگانی مشاهده می‌شود که ممکن است ناشی از آموزش رسمی و نیز تسلط رسانه‌های جمعی فارسی‌زبان باشد.

۵- با توجه به آنچه تاکنون گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که سن، اقامت در محیط جدید، اعتبار زبان فارسی، و وجهه اجتماعی و کارایی آن از مهم‌ترین عوامل فرسایش زبان مادری در محیط زبان دوم به حساب می‌آید.

## منابع

- جعفرپور، عبدالجواد (۱۳۷۵). *مقدمه‌ای بر آزمون‌شناسی زبان*. چاپ اول، شیراز: دانشگاه شیراز.
- محمودی، علی (۱۳۸۷). *بررسی فرسایش و تغییرات زبانی در زبان کردهای سردشتی مقیم تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سندج.
- مدرسی، یحیی (۱۳۳۸). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی).

Ben-Rafael, M. & M. S. Schmid (2007). Language Attrition and Ideology: Two Groups of Immigrants in Israel. In: B. Köpcke; M. S. Schmid; M. Keijzer; & S. Dostert (Eds.), *Language Attrition: Theoretical perspectives*, (pp. 205-226). Studies in Bilingualism. John Benjamins Publishing. Cook, V. (Ed.), (2003). *Effects of the Second Language on the First*. Clevedon: Multilingual Matters.

De Leeuw, E., Tusha, A. & M. S. Schmid (2018). *Individual Phonological Attrition in Albanian-English late bilinguals*. Bilingualism: Language and Cognition.



- Karayayla, T. & M. S. Schmid (2019). First Language Attrition as a Function of Age at Onset of Bilingualism: First Language Attainment of Turkish–English Bilinguals in the United Kingdom.
- Schmid, M. S. & B. Köpke (2007). Bilingualism and Attrition. In: B. Köpke; M. S. Schmid; M. Keijzer; & S. Dostert (Eds.), *Language Attrition: Theoretical perspectives*, (pp. 1-8). Studies in Bilingualism. John Benjamins Publishing.
- Schmid, M. S. & G. Yilmaz (2018). Predictors of Language Dominance: An Integrated Analysis of First Language Attrition and Second Language Acquisition in Late Bilinguals. *Frontiers in Psychology*.
- Steinkrauss, R. & M. S. Schmid (2016). Entrenchment and Language Attrition. In: H.-J. Schmid (Ed.), *Entrenchment and the Psychology of Language Learning: How We Reorganize and Adapt Linguistic Knowledge*, (pp. 367- 383). Berlin: De Gruyter Mouton
- Weisi, H. (2013). *L<sub>2</sub> Acquisition, L<sub>1</sub> Endangerment and Their Impact on Learning English: A Case Study of Kurdish Speakers in Iran*. Ph.D. Dissertation in English Language Teaching, Shiraz University.
- (2015). *Language Endangerment Among Kurdish Speakers in Iran*. LAP LAMBERT Academic Publishing.